

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

بررسی سنگ نبشته نویافته پهلوی همدان*

مهدی زمانیان

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان های باستانی

مسعود رشیدی نژاد

کارشناس ارشد باستان شناسی

چکیده

در این مقاله به بررسی سنگ نبشته ای نویافته، از مزرعه حاج مد دره مرادییک همدان که به خط و زبان پهلوی نگاشته شده، پرداخته شده است. خط این سنگ نبشته مانند دیگر سنگ نبشته های پهلوی از این دسته (سنگ مزارها)، مربوط به واپسین سالهای دوره ساسانی و آغاز ورود اسلام به ایران است.

نکته ای که این سنگ نبشته را از دیگر نبشته های پهلوی متأخر جدا می سازد، پدیده رخنه کردن زبان فارسی دری در زبان و خط پهلوی به کار رفته در این سنگ نبشته است که جایگاه ویژه ای از نظر بررسی تحول زبانی برای این سنگ نبشته پهلوی ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی

سنگ نبشته پهلوی، فارسی دری، گور، دره مراد بیگ همدان.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: m_zamanian60@yahoo.com

۱- درآمد

بیشتر نوشته‌های پهلوی گور دخمه‌ها و استودان نوشته‌ها در منطقه فارس گرد آمده‌اند. در هیچ منطقه‌ای به اندازه فارس نمی‌توان سنگ نیشته پهلوی یافت. در کل، این سنگ نیشته‌ها (گورنیشته‌ها و استودان نیشته‌ها) از دیدگاه بررسی فراگرد نویسه‌های پهلوی به واپسین سال‌های دودمان ساسانی، بیشتر آنان مربوط به سده‌های نخستین ورود اسلام به ایران است (تفضلی، ۱۳۷۷، ۸۳).

خط این نوشته‌های پهلوی، از پهلوی سنگ نیشته‌ای سال‌های آغازین ساسانی جدا گشته و به پهلوی شکسته (کتابی) نزدیک شده است. این فراگرد نویسه‌ها خوانش این گونه سنگ نیشته را دشوارتر نموده است.

سنگ نیشته آمده در این گفتار در کنار سنگ نگاره‌های جانورسان انسان ریخت و نمادین از هزاره ۳ یا ۲ پ.م قرار گرفته است (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۹). در فرآیند بررسی و خوانش این سنگ نیشته که نمونه همانندی را نمی‌توان برای آن در استان همدان یافت، از دو روش میدانی (عکس برداری، طراحی و ثبت موقعیت مکانی با JPS) و کتابخانه‌ای (با استناد به متن ویدیو داد (وندیداد) اوستا و متون پهلوی) استفاده شده است.

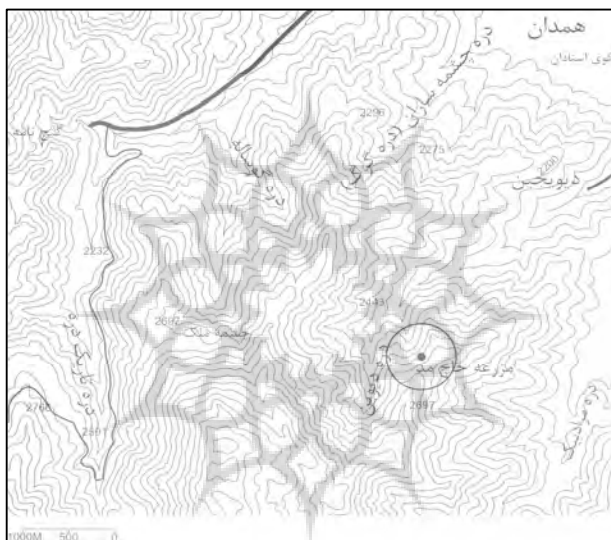
کهن‌ترین سنگ نیشته به زبان پهلوی که با خط شکسته (کتابی) پهلوی نگاشته شده، و دارای تاریخ نیز هست، می‌توان به سنگ نیشته اقلید با تاریخ روز خور (۱۱) ماه آبان سال (۶) یزدگردی (۶۳۸ میلادی) اشاره کرد (هینس، ۱۳۸۶، ۳۱۳).

پس از این نمونه می‌توان به سنگ نیشته پهلوی نیروگاه سیکل ترکیبی فارس با تاریخ روز انقزان (۳۰) ماه آبان سال (۶) یزدگردی (۶۳۸ میلادی) و سپس، سنگ نیشته مشتاق در ۵ کیلومتری جنوب کازرون به تاریخ (۸) یزدگردی (۶۳۹ میلادی) اشاره کرد^(۱) (نصرالله زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۹).

بیشتر این نیشته‌های پهلوی با واژه‌های *ēn ašwar* (این آرامگاه) و *ēn* *astōdān* این استودان *ēn daxma* (این دخمه) آغاز شده‌اند.^(۲) اما از آنجا که در دوره اسلامی ساخت گنبد بر گورها رواج پیدا کرده است، از واژه‌های *ēn*

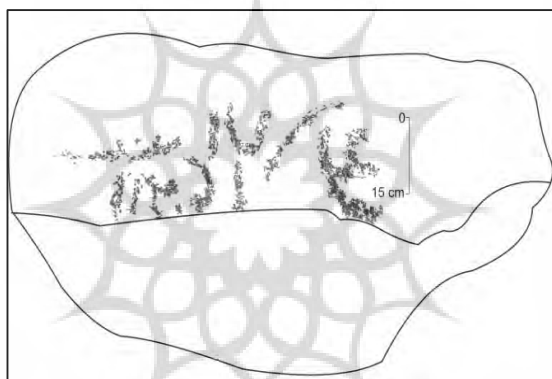
gumbad نیز در نوشته های پهلوی استفاده شده است (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴، ۱۸).

سنگ نبشته نو یافته مزرعه حاج مد دره مراد بیک همدان در پای رشته کوه الوند از رشته کوه های زاگرس در جنوب باختری شهر همدان در بلندی های روستای دره مراد بیک همدان با مختصات $34^{\circ}43'55/0''N$ و $48^{\circ}28'43/6''E$ واقع شده است.



شکل ۱. موقعیت سنگ نبشته مزرعه حاج مد

سنگ نبشته بر روی سنگ گرانیت تیره به درازی ۱۲۴ سانتیمتر و پهنای ۳۴ سانتیمتر نگاشته شده است. نویسه های پهلوی با ضربات سطحی بر روی سنگ کنده شده اند. خط نوشته پهلوی مورد نظر به سبب متأخر بودن به خط پهلوی شکسته (کتابی) نزدیک است. اما تفاوت هایی نیز با خط کتابی دارد که ویژگی بارز این گونه سنگ نبشته ها است. که این رخداد، خوانش این سنگ نبشته ها را دشوارتر می سازد (آموزگار، ۱۳۸۱، ۶۹-۶۱).



تصویر ۲. سنگ نبشته پهلوی مزرعه حاج مد دره مرادبیک

ع) ۱۲ (۱۱۳ بدر حرف نوشت: [O] ZLWN gwr L tn' AB.

آوانوشت: šud gōr man tan pid.

برگردان فارسی: تن پدر من [به] گور شد.

این سنگ نبشته پهلوی در کنار نگاره‌های باستانی که از دیدگاه آقای رشیدی سن برخی از آنها به هزاره‌های چهارم پیش از میلاد برمی گردد واقع شده است. این سنگ نبشته را نیز ایشان به نگارنده معرفی کرد. این کشف را می توان یافته ای ارزنده، نه از دیدگاه کشف یک نوشته پهلوی، بلکه از دیدگاه بررسی

گستره جغرافیایی این گونه سنگ نبشته‌ها دانست؛ زیرا همان طور که گفته شد، این گونه سنگ نبشته‌ها بیشتر در نواحی جنوبی ایران به ویژه فارس وجود دارند، و این نخستین نمونه به خط و زبان پهلوی است که از همدان یافت شده است. از آنجا که درون مایه سنگ نبشته اشاره ای خیلی روشن به گور gōr و تن پدر -tan pid دارد، بی گمان پیرامون پدری در گذشته سخن می گوید و می توان انتظار داشت در این محوطه پیرامون سنگ نبشته پهلوی، تدفینی به روش و آیین دوران ساسانی و یا سده های نخستین ورود اسلام به ایران انجام پذیرفته باشد.

زرتشتیان در دوره ساسانی به چندین روش از جمله: ۱- گورهای حفره سنگی ۲- استودان‌ها ۳- گورهای صخره‌ای ۴- خرفخانه‌ها ۵- دخمه سنگی‌های سترگ ۶- تدفین های تابوتی (که تنها در یک محوطه حدود ۳۰ عدد تابوت در گورستان چشمه در دامنه کوه رحمت در یک کیلومتری شمال تخت جمشید یافت شده است) در گذشتگان خویش را دفن می کردند (جعفری، ۱۳۸۵، ۶۷-۶۰). اما این سنگ نبشته را نمی توان به هیچ یک از این روش‌های تدفین منسوب کرد؛ زیرا با بررسی میدانی که از محل این سنگ نبشته پهلوی انجام گرفت، به صراحت می توان گفت پیرامون و نزدیکی چند صد متری این سنگ نبشته هیچ گونه شواهدی از تدفین وجود ندارد.

با توجه به اینکه در دوره ساسانی کالبد مرده را با خاک نمی آمیختند، همانگونه که در نوشته های دینی- آیینی زرتشتیان به ویژه ویدیودات (وندیداد) اوستا بسیار موشکافانه و بسیار روشن تدفین مرده را توضیح داده است، نمایان می شود که این سنگ طبیعی نمی تواند سنگ تراش خورده یک گور باشد.

چنان که در ویدیودات اوستا درباره پیکره مرده این چنین می خوانیم:

«ای دادار جهان آستومند! ای اشون! پیکر مردگان را به کجا باید برد و در کجا باید گذاشت؟ اهورمزدا پاسخ داد: ای زرتشت اشون بر فراز کوه در جایی که همیشه سگان و پرندگان مردار خوار به سر می برند».

در جای دیگر در مورد چگونگی تدفین استخوان هایی که از کالبد مردگان پس از خورده شدن توسط پرندگان و درندگان بر جای مانده است، این چنین می خوانیم:

«ای دادار جهان آستومند! ای آشون

استخوان های مردگان را به کجا باید بُرد و در کجا باید گذاشت؟

اهوره مزدا پاسخ داد:

مزدپرستان باید استودانی بسازند در جایی که آب باران نایستد، در جایی دور از گذار سگ و روباه و گرگ.

آنان اگر بتوانند، باید استودانی با سنگ و ساروج و خاک بر پا کنند و اگر نتوانند، باید پیکر مرده را در زیر تابش ستارگان و ماه و خورشید، برهنه روی فرش و بالش که از آن او بوده است، بر زمین فرو بگذارند» (رایشلت، ۱۳۸۶، ۲۵۵-۲۵۴).

همان گونه که پیشتر آوردیم، سنگ نبشته مورد بررسی این مقاله با واژگان متداول ēn ašwar (این آرامگاه) ēn astōdān (این استخوان دان) ēn daxmag (این دخمه) ēn haštag (این آرامگاه) آغاز نشده است، بلکه واژه gōr «گور» جایگزین این واژگان، در این سنگ نبشته شده است.

برای نخستین بار به واژه Gōr «گور» با دبیره (gwr, g'wr) در سفال نبشته های پهلوی اشکانی نیسا روبه رو می شویم که در این جا این واژه در زمره نام های خاص قرار دارد. Gōr در این سفال نبشته در معنای آرامگاه به کار رفته است.^(۳)

آقای نصرالله زاده، بر این باورند که واژه gōr در متون پهلوی ساسانی در معنای آرامگاه به کار رفته است و این معنای متأخر (دوره اسلامی) آن است، و در متون پهلوی از واژه gabr در معنای (حفره و سوراخ) استفاده شده است (نصرالله زاده، ۱۳۸۱، ۲۲۴)، اما باید گفت در متون پهلوی نیز واژه gōr (گور) در مفهوم آرامگاه به کار رفته است که از دیدگاه نگارنده باید این کاربرد تحت

نفوذ زبان فارسی دری انجام پذیرفته باشد چنان که در روایت آذر فرنیغ فرخزادان (Adurfarnbag farroxxādān) صورت جمع این واژه را این چنین می‌بینیم:

(فرخزادان، قرن ۲) widār ī andar gōrestān
dādestān čē?

گذر از گورستان حکمش چیست؟

همچنین، در دفتر پهلوی گزیده‌های زادسپرم (wizīdagīhā ī zādisparam) واژه gōr «گور» با دبیره «gwl» (در معنای «گود» به کار رفته است (راشد محصل، ۱۳۸۵، ۹۹، ۲۵۱، ۵۲۶).

تا آنجا که نگارنده با خیر است، سنگ نبشته دره مرادیک همدان را می‌توان نخستین سنگ نبشته در ایران و دومین نمونه در جهان دانست که به جای واژگان متداول در سنگ مزارها، از واژه gōr «گور» در معنای آرامگاه بهره برده است. سنگ نبشته مدرسه کاپا (چاپا) استانبول ترکیه CE، که بیرون از مرزهای کنونی ایران قرار گرفته است، از واژه gōr «گور» در معنای آرامگاه سود برده است. تاریخ سنگ نبشته CE قرن پنجم میلادی مشخص شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۱، ۶۱).

ژینیو به استناد همین سنگ نبشته (CE استانبول ترکیه) واژه gōr «گور» را آرامگاه معنی کرده است (Gignoux, ۱۹۷۲, ۲۲). کاربرد واژه gōr «گور» در مفهوم آرامگاه را می‌توان گواهی بر نفوذ زبان فارسی دری در زبان پهلوی متأخر دانست که این نفوذ را این چنین می‌توان بیان کرد:

فارسی دری که شکل دگرگون شده زبان پهلوی متأخر است، در زمان ساسانیان همگام با زبان پهلوی رواج داشته و به کار می‌رفته است، و زبان پهلوی و خط آن نیز که از پشتیبانی دولت ساسانی بهره‌مند بود، پس از فروپاشی دولت ساسانی به تدریج به فراموشی سپرده شده است (صفوی، ۱۳۸۶، ۱۶۵).

آنچنان که زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه زرتشتی) زبان دینی - آیینی و علمی موبدان زرتشتی شد و موبدان برای چندین سده آن را زنده نگه‌داشتند (مزداپور، ۱۳۷۴، ۵۰)، اما از نفوذ فارسی دری در زبان پهلوی به ویژه پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی نمی‌توان غافل شد. چنان که خانم دکتر مزداپور به

۳۰ YWM LYLAY PWN W't MNW BRA l'nyny't
zmyk' 'dl d'lšn LALA d'lšn'

Y gwl W t'ht' BRA krtn'.

sīh rōz šab pad wād kē āb be rānēnīd zamīg ēr-dārišn,
ul-dārišn ī gōr ud taxt, be kard [an].

(راشد محصل، ۱۳۸۵، ۲۵۱)

سی شبانه روز به گونه باد که آب را براند، زمین را زبرداری (= پست) و زبرداری
(= بلند) گود و تخت (= هموار) بکرد (راشد محصل، ۱۳۸۵، ۹۹).

با واژه گور (gōr) در معنای شهر گور (اردشیر خوره) از دیره یکسانی

برخ

۳۱۳۵ ۱۱۳۵۵ ۳۲۴۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵ ۳۱۳۵

gwl 'lthšyl GDE 'lthšyl [Y] p'pk'n krt. (۴) Štr'st'n

šahrestān[i] gōr-ardaxšēr-xwarrah ar dxšēr[i] bābagān
kard.

شهر گور- اردشیر خوره را اردشیر بابکان ساخت (دریایی، ۱۳۸۸، ۴).

یعنی در نگارش این واژه در معنای گوناگون (گور- گورخر- گود) از یک
دیره پیروی شده است، در صورت ۱۳ که در نگارش سنگ نبشته همدان این واژه به
صورت ۱۳ (۱) نوشته شده است. در واقع، به جای نویسه پایانی «L» از
نویسه «I» استفاده شده است (۵)، این فراگرد و دگرگونی نوشتاری را می توان
برآیند نفوذ زبان فارسی دری در زبان و پس از آن نگارش خط پهلوی متأخر دانست.

۲- نکاتی پیرامون خط و واژگان سنگ نبشته حاج مد دره مراد بیک همدان

۱- واژه هزوارشی [O]ZLWN که به خط پهلوی شکسته 𐭥𐭧𐭫𐭮 (کتابی) به
صورت 𐭥 نگاشته می شود، در این سنگ نبشته به صورت 𐭥 نگاشته شده است.
در واقع نخستین نویسه که ' یا O خوانده می شود، از قلم افتاده است. نگارش این

واژه در سنگ نبشته دره مراد بیک همدان با همین واژه در پهلوی شکسته (کتابی) تفاوتی شگرف دارد. این واژه šud خوانده و آوانویسی می شود. šud از -šiyav فارسی باستان به معنی (رفتن) (kent, ۱۹۹۳, ۲۱۱) و -šyav (رهسپار شد) اوستای گاهگانی و نو اوستای šav گرفته شده است (Bartholomae, ۲۰۰۴, ۱۷۱۴). صورت سغدی این فعل چنین است šaw-šo (Gharib, ۲۰۰۴, ۹۳۴۰).

۲- دومین واژه گور (gōr) است که 𐭪 این سنگ نبشته 𐭪 به جای دبیره (gwī) از دبیره (gwr) استفاده شده است که دلایل کامل آن در مقاله بررسی شده است. در فرهنگ پهلوی زنده یاد فره‌وشی این واژه در مفاهیم (گور، گود، حفره، میان تهی) آمده است.

در واژه نامه پازند در مفاهیم (گور، قبر، مدفن) ثبت شده است (شهرزادی، ۱۳۸۶، ۲۸۷). در فرهنگ مکنزی و نیبرگ و واژگان پارتی و فارسی میانه مری بویس gōr با چنین کاربردی نیامده است.

۳- سومین واژه هزوارش (L) است که در پهلوی کتابی با روش یکسان نگاشته شده و man خوانده می شود. man ضمیر اول شخص مفرد است که در پهلوی متأخر کاربرد بیشتری نسبت به ضمیر اول شخص an/az دارد (آموزگار، ۱۳۸۲، ۶۸)، (Neberg, ۲۰۰۳, ۱۲۴) در فارسی باستان manā (حالت وابستگی) (Kent, ۱۹۹۳, ۱۶۷) در اوستا mana (حالت وابستگی), artholome, ۲۰۰۴ (۱۰۰۸), در سغدی 'my (me) (Gharib, ۲۰۰۴, ۹۱۲).

۴- چهارمین واژه، 𐭪 (تن) است که با دبیره (tn) نوشته شده است. نگارش این واژه نیز هم سو با نگارش پهلوی کتابی است. این واژه در زبان اوستایی به صورت tanū (Bartholome, ۲۰۰۴, ۶۳۳) و در فارسی باستان tanū (Kent, ۱۹۹۳, ۱۸۶) در فارسی میانه ترفانی 𐭪 و پهلوی اشکانی ترفانی (tan)tn (مری بویس، ۱۳۸۶، ۱۴۱) آمده است. در سغدی (tammār) (Gharib, ۲۰۰۱, ۹۵۸۹) صورت پازند آن [t(a)v(a)n , tən] tm'r (عریان، ۱۳۷۷، ۱۴۵).

۵- واپسین واژه سنگ نبشته، واژه (pid) پدر است که در این سنگ نبشته به صورت هزوارش AB آمده است. این واژه در خط پهلوی کتابی بدین روش (AB) نگاشته می‌شود، اما در سنگ نبشته مورد بررسی به صورت (AB) نگاشته شده است. در نگارش این واژه نیز تفاوت نگارش با پهلوی کتابی بارز است. این واژه در صورت اوستایی و پارسی باستان به صورت pitar (Kent, ۱۹۹۳, ۱۹۷), (Bartholome, ۲۰۰۴, ۹۰۵) آمده است. در متون پهلوی مانوی به فارسی میانه و پهلوی اشکانی نیز به صورت pid (بویس، ۱۳۸۶، ۱۲۳) آمده است و در سغدی

(Gharib, [pət.pət]pit ۱۳۵۹, ۷۸۰۸) (pit(ər) ' pitar) 'ptr, pir
(?) 'BY صورت پازند است (عریان، ۱۳۷۷، ۱۷۹)

۳- نتیجه گیری

با بررسی این سنگ نبشته روشن شد که زبان و خط به کار رفته در آن مربوط به سال‌های پایانی دودمان ساسانی و نخستین سده‌های اسلامی بوده است. گواه این ادعا را می‌توان دگردیسی معنایی و نوشتاری واژه گور (gōr) دانست که نفوذ فارسی دری کهن را به زبان و خط پهلوی متاخر در واپسین سال‌های این دودمان را به نمایش می‌گذارد.

یادداشت‌ها

* با سپاس از خانم دکتر ویدا نداف؛ استادیار و عضو هیات علمی رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی که این مقاله را مورد بازبینی قرار دادند.

۱. منظور، سنگ مزارهایی است که به زبان پهلوی ساسانی و خط پهلوی کتابی نگاشته شده‌اند. چرا که سنگ نبشته‌ای بسیار کهن به خط و زبان پهلوی اشکانی در آرمازی گرجستان (AR) به دست آمده است که مربوط به سنگ گور دختر فرماندار آن ناحیه است.

۲. نک: اکبرزاده، کتیبه‌های اشکانی، ۲.

۳. نک به: دیاکونوف، کتیبه‌های اشکانی نیسا، ۱۳۸۳، ۱۰۸ و ۱۵۱.

۴. شهر گور با دبیره gwbl نیز بر مهوری ساسانی نوشته شده است. نک. YAMAUCHI, ۱۹۹۳, p.۴۹
۵. بر مهوری ساسانی، با همین روش املائی واژه گور (Gōr (gwr)) را در کاربرد اسم خاص می بینیم که می توان این مهور ساسانی را مهور تأییدی بر خوانش درست واژه gōr در سنگ نبشته دره مراد بیک همدان دانست: نک: YAMAUCHI, ۱۹۹۳, P.۱۷
- بر مهور سپاهبد شمال (آدور بادگان) واژه ای با دبیره gwlgwny وجود دارد که گیزلن این واژه را gōr-gōn آوانویسی کرده است. به باور ایشان این واژه ترکیبی از gōr (گورخر) و gōn (رنگ) است که باید گونه ای گورخر و نام خاص سپاهبد باشد (گیزلن، ۱۳۸۴، ۵۳).

کتابنامه

۱. آذر فرنیغ فرخزادان، قرن ۲، حسن رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲. آموزگار یگانه، ژاله، ۱۳۸۱، "کلی بر مزاری مزار نوشته نو یافته ای به پهلوی ساسانی از کازرون"، نامه ایران باستان ۳، سال دوم و شماره اول، ۱۳۸۱، صص ۶۳-۶۹.
۳. _____، _____، احمد تفضلی، ۱۳۸۲، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن، تهران: معین.
۴. _____، _____، ۱۳۸۷، زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران: معین.
۵. ارداویراف نامه، فیلیپ ژینیو، ۱۳۸۲، ژاله، آموزگار، تهران: معین.
۶. اکبرزاده، داریوش، ۱۳۸۱، کتیبه های پهلوی، تهران: پازینه.
۷. _____، _____، ۱۳۸۲، کتیبه های پهلوی اشکانی، تهران: پازینه.
۸. بویس، مری، ۱۳۸۶، فهرست واژگان ادبیات مانوی در متن های پارسی میانه و پارتی، امید بهیانی، ابوالحسن تهامی، تهران: بندهش.
۹. تفضلی، احمد، ۱۳۷۷، تاریخ ادبیات فارسی پیش از اسلام، تهران: سخن.
۱۰. جعفری، محمد، ۱۳۸۶، «گورهای کوه رحمت: مدارکی در زمینه های شیوه های تدفین دوره های هخامنشی تا ساسانی در فارس» شماره ۴۲، ۴۳، ۱۳۸۶، صص ۶۷-۶۰.
۱۱. دریایی، تورج، ۱۳۸۸، شهرستان های ایرانشهر، شهران جلیلیان، تهران: توس.

۱۲. دیاکونوف، ایگور میخاویلوویچ، ۱۳۸۳، *کتیبه های اشکانی نیسا*، شهرام حیدر آبادیان، تهران: کلام شیدا.
۱۳. رایشلت، هانس، ۱۳۸۶، *رهیافتی به گاهان زرتشت و متن های نو اوستایی*، جلیل دوست خواه، تهران: ققنوس.
۱۴. رشیدی نژاد، مسعود و زمانیان، مهدی، *پرسی سنگ نگاره های نویافته مزرعه حاج مد و دره مرادییک همدمان نویافته های دره مرادییک و مزرعه حاج مد*، پیام باستان شناس، دانشگاه اهر، شماره ۱۱، ۸۹-۹۶.
۱۵. رضایی باغ بییدی، حسن، ۱۳۸۳، *"کتیبه ی پهلوی - کوفی برج لاجیم" نامه ایران باستان*، شماره اول، ۱۳۸۳، صص، ۲۱-۹.
۱۶. شهزادی، رستم، ۱۳۸۶، *واژه نامه پازند*، تهران: فروهر.
۱۷. صفوی، کوروش، ۱۳۸۶، *آشنایی با تاریخ زبانهای ایرانی*، تهران، پرواک تهران.
۱۸. عریان، سعید، ۱۳۷۷، *واژه نامه پهلوی - پازند (فرهنگ پهلوی)*، تهران: حوزه هنری.
۱۹. —، —، ۱۳۸۲، *زیور پهلوی*، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۲۰. فره وشی، تهران، ۱۳۸۱، *فرهنگ زبان پهلوی*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. —، —، ۱۳۸۱، *کارنامه اردشیر بابکان*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. گوبل، روبرت، ۱۳۸۴، *گل مهرهای تخت سلیمان: جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی*، فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۲۳. گیزلن، ریکا، ۱۳۸۴، *چهار سپاهبد شاهنشاهی ساسانی بر اساس شواهد مهرشناسی*، سیروس نصرالله زاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۲۴. مزداپور، کتایون، ۱۳۷۴، *واژه نامه گویش بهدنیان شهر یزد (فارسی به گویش همراه مثال)*، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. نصرالله زاده، سیروس، ۱۳۸۱، *"کتیبه پهلوی سنگ مزار دهکده حسین آباد کازرون" غار و ۳۳ و ۳۴*، ۱۳۸۱، صص ۲۲۶-۲۲۳.
۲۶. —، —، ۱۳۸۵، *کتیبه های کازرون*، تهران: کازونیه.
۲۷. هینس، والتر، ۱۳۸۷، *یافته های تازه از ایران باستان*، پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

۲۸. Bartholomae, Christian, ۲۰۰۴, *Altiraisches wörterbuch*, Tehran: Astir.

۲۹. Gharib, B, ۱۹۹۵, *sogdian Dictionary*, Tehran: farhangian.

۳۰. Gignox, pilip, ۱۹۷۲, *Glossaire des inscriptions pehlevise ct parthes*, London.
۳۱. Kent, Ronlad, ۱۹۵۳, *old Peršian Gramer, new haven: American oriental society*.
۳۲. Machenzie, D.N, ۲۰۰۵, *A conies pahlavi Dictionary*, Landon: oxford aniversity press.
۳۳. Neberg, H.S., ۲۰۰۳, *A.Manual of pahlavi*, Tehran: Asatir.۱.
۳۴. Yamauchi, K, ۱۹۹۳, *the vocabulary of sasanian seals*, Toxyo: Daiwa.

